



تهران - جارپرس - یکی از متهمان مرتبط با پرونده بانک سرمایه که بدهی ۲۵۰ میلیارد تومانی به شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم به عنوان شرکت تابعه بانک سرمایه دارد، جزئیات این بدهی را تشریح کرد.

به گزارش جارپرس به نقل از ایسنا، در پرونده‌های مربوط به تخلفات بانک سرمایه، نام شرکتی با عنوان "امیر تجارت هرمس" به چشم میخورد که مدیرعامل آن متهم به دریافت ۲۵۰ میلیارد تومان از یکی از شرکتهای بانک سرمایه تحت عنوان شراکت در سرمایه‌گذاری است.

این شرکت در سال ۱۳۸۴ با سرمایه یک میلیون تومانی و در حوزه تجهیزات پزشکی ثبت شد. سرمایه این شرکت یک سال بعد به ۱۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرد و کاربری آن نیز از حوزه پزشکی به حوزه پروژههای ساختمانی تغییر کرد.

بعد از این تغییر حوزه کاربری، سجاد کاشف به عنوان مدیرعامل شرکت و شریک او اشکان طرخوانی (همسر خواهر بهروز ریخته‌گران - سهامدار ۴۰ درصد از سهام بانک سرمایه) قراردادی ۴۰۰ میلیارد تومانی برای ساخت یک مجتمع تجاری در اصفهان یا شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم که یکی از شرکتهای وابسته به بانک سرمایه است منعقد میکنند.

مدیرعامل این شرکت در تماس با ایسنا ابعاد تازه‌ای از این ماجرای ۴۰۰ میلیارد تومانی که حالا به بخشی از پرونده قطور بانک سرمایه تبدیل شده است را روشن کرد.

آن چه در ادامه می‌آید، حاصل گفتوگوی ایسنا با سجاد کاشف پیرامون اتهامات وارد شده به این شرکت و ارتباط آن با پرونده فساد در بانک سرمایه است.

- متولد چه سالی هستید؟

۱۳۶۲

- کدام شهر؟

محله زعفرانیه تهران.

- مدرک تحصیلتان چیست؟

مدرک کارشناسی کامپیوتر از دانشگاه امام خمینی قزوین دارم.

- قبل از این پروژه در چه حوزههایی کار میکردید؟

فعالتهای نمایشگاهی، تبلیغاتی و تجهیزات پزشکی انجام میدادم.

- شرکت امیرتجارت هرمس از چه طریقی با پرونده بانک سرمایه ارتباط پیدا میکند؟

ما برای انجام یک پروژه ساختمانسازی در اصفهان نیاز به دریافت ۴۰۰ میلیارد تومان تسهیلات داشتیم. ابتدا به بانک سرمایه مراجعه کردیم اما چون شرایط دریافت وام، پرداخت سود ۱۸ درصد بود، برای ما مقرون به صرفه نبود، بانک سرمایه ما را به شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم معرفی کردند.

- در واقع شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم، همان شرکت تابعه بانک سرمایه است؟

بله، درست است.

- مبلغ ۴۰۰ میلیارد تومان چگونه از طریق این شرکت برای شما تأمین شد؟

این مبلغ در واقع نه به صورت وام بلکه به صورت مشارکت در ساخت به ما پرداخت شد. در ابتدا قرار بود طبق قرارداد از شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم ۴۰۰ میلیارد تومان دریافت کنیم اما در مجموع فقط ۲۵۰ میلیارد تومان دریافت

کردیم که البته شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم موظف است طبق قراردادی که با ما داشته، بقیه ۱۵۰ میلیارد تومان را نیز به شرکت امیرتجارت هرمس پرداخت کند.

- وثیقه‌ای که شما برای دریافت این مبلغ از آن استفاده کردید، چه بود؟

در قرارداد مشارکت در ساخت نیازی به ارائه وثیقه نیست و خود پروژه وثیقه به حساب می‌آید. با این حال زمین پروژه به عنوان وثیقه شرکت امیرتجارت هرمس در اختیار شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم قرار گرفت که در قرارداد نیز قید شده است.

- قیمت این زمین چقدر است؟

زمینی که به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گرفته است، بر اساس نظر کارشناسان ۱۹۰ میلیارد تومان ارزش دارد؛ هرچند من اعتقاد دارم که قیمتش بیشتر از اینهاست.

- در کدام منطقه است؟

خیابان هزار جریب اصفهان

- چه زمانی این زمین خریداری شد و به عنوان وثیقه در قرارداد مورد استفاده قرار گرفت؟

بر اساس مباحثه نامه‌های (تعهدنامه‌های که در آن هیچ پولی رد و بدل نمیشود) که در سال ۱۳۹۵ (چند ماه قبل از عقد قرارداد ۴۰۰ میلیارد تومانی) امضا کردیم، آن را به عنوان وثیقه به شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم ارائه دادیم و منتظر بودیم تا سند نیز آماده شود و آن را هم ارائه دهیم.

- ۲۵۰ میلیارد تومان را خود شرکت توسعه سرمایه پایدار قشم تهیه کرده بود؟

خیر. این مبلغ از طریق بانک سرمایه تأمین شده است.

- این فرض که میگویند شرکت امیرتجارت هر مس یک شرکت کوچک با سرمایه‌های اندک و تخصصی غیر مرتبط بوده که بهروز ریخته‌گران (یکی از سهامداران اصلی بانک سرمایه که ۴۰ درصد سهام این بانک را در اختیار دارد) برای دور زدن قانون با مدیرعامل آن تبانی کرده تا مبلغ ۲۵۰ میلیارد تومان را با وثیقه‌های صوری مانند مبیعه نامه (که اساساً پولی در آن رد و بدل نمیشود)، به حساب این شرکت منتقل کند، چقدر درست است؟

من به هزار و یک دلیل با بهروز ریخته‌گران ارتباطی ندارم و نمیخواهم ارتباطی هم داشته باشم. من آقای ریخته‌گران را فقط دو بار آن هم در دادسرا دیده‌ام. من و شریکم (اشکان طرخورانی) آدمهای دست و پا بسته‌ای نبودیم که حالا بگوییم تسهیلاتی ۲۵۰ میلیارد تومانی به حسابمان آمده و زندگیمان از این رو به آن رو شده است. چرا دادستانی این فرض را در نظر گرفته که این تسهیلات را من گرفتم و به آقای ریخته‌گران داده‌ام؟ چه دلیلی داشته که من این کار را انجام دهم؟

- پس چگونه ممکن است چنین مبلغ کلانی به حساب یک شرکت کوچک منتقل شود؟

سرمایه اولیه شرکت ما کم نبوده و حدود ۱۰ میلیارد تومان بوده است. شاید در این رابطه تخلفاتی انجام شده باشد اما آن تخلفات اینها نیستند! کاش همه مشتریان بانک سرمایه مانند من بودند که چنین پروژهای ارزشمندی را تعریف میکردند تا از آن طریق بانک به سودآوری میرسید؛ چرا که بانک تأسیس شده است که بتواند برای خودش سود ایجاد کند.

- چطور اینقدر از سودآوری پروژه‌تان اطمینان دارید؟

من بازار را میشناسم و میدانم سودها کجا خوابیده‌اند. برای مثال در اصفهان مجتمع درجه یک تجاری لوکس کم است؛ بنابراین ما در بهترین نقطه اصفهان (هزارجریب) یک پروژه لاکچری تعریف کردیم. از سوی دیگر زمینی با مشخصات منحصر به فرد، فقط یک قطعه در اصفهان بود که آن را هم ما خریداری کردیم؛ با یک حساب دودوتا چهارتای خیلی ساده با یک ماشین حساب میتوان فهمید که این پروژه چقدر سودآور است. چرا نباید بانک سرمایه بخواهد در چنین پروژه بزرگی مشارکت کند؟ اگر بانک سرمایه در این پروژه مشارکت نمیکرد من به سراغ بانک بعدی میرفتیم و اگر هیچ بانکی هم مشارکت نمیکرد، به سراغ سرمایه گذران بخش خصوصی میرفتم که ای کاش از همان اول هم همین کار را میکردم.

- این پروژه سودآور تا چه مرحله‌ای پیش رفت؟

در مهرماه ۱۳۹۵ قرارداد امضا و قرار شد تا اواسط اسفندماه این مبلغ پرداخت شود که این اتفاق نیفتاد؛ چرا که در اواخر دیماه به عدد ۲۵۰ میلیارد تومان رسیدیم. تا آن تاریخ ما در مرحله اخذ مجوزها از شهرداری بودیم که بعد از آن هم بازداشت شدیم و در عمل فرصت اینکه کاری را انجام دهیم، پیش نیامد.

- ارزش کل پروژه چقدر بود؟

ارزش کل پروژه ۱،۴۰۰ میلیارد تومان بود.

- مابقی ۱،۱۵۰ میلیارد تومان موردنیاز برای تکمیل پروژهتان قرار بود از کجا تأمین شود؟

قرار بود بقیه این هزینهها را خودمان تهیه کنیم.

- از کجا؟

به هر حال ما کسبوکارهای دیگری داشتیم؛ ضمن اینکه اتفاقات مختلفی هم میتوانست بیفتد. مثلاً میتوانستیم از سرمایه شخصی خودم استفاده کنم. میتوانستیم سرمایهگذار دیگری بیاورم یا حتی میتوانستیم بخشی از پروژه را پیشفروش کنیم؛ این مساله پیچیده‌های نیست.

- سرمایه شخصی خودتان یا سرمایهگذاران دیگر اینقدر بود که بتوانید این هزینهها را از آنجا تأمین کنید؟

از همانجایی که علاوه بر آن ۲۵۰ میلیارد تومان، ۲۷ میلیارد تومان هم به پیمانکار پروژه پرداخت کردیم ۱،۱۵۰ میلیارد تومان دیگر هم تأمین میشد.

- اگر سرمایهگذار دیگری را برای تأمین منابع به این پروژه وارد میکردید، آیا در تضاد با قرارداد با شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم قرار نمیگرفت؟

من نمیگویم که لزوماً این کار را میکردم، بلکه میگویم ممکن است هر کدام از این راهها را برای تأمین سرمایه انتخاب میکردم و نمیخواهم درباره این موضوع هم توضیح دهم که این سرمایه ۱۱۵۰ میلیارد تومانی را از کجا میخواستم تهیه کنم. من به شما دوستانه میگویم این پول را داشتم!

- اگر شما چنین مبلغ هنگفتی داشتید، چرا خود را درگیر گرفتن وام از بانک سرمایه کردید؟ میتوانستید پروژههای سبکتر را برای خود تعریف کنید.

پروژههای میخواستم که سودش این مبلغ باشد!

- پروژه جالبی را انتخاب کردید!

فکر نمیکردم مشارکت کردن با یک شرکت خصوصی جرم باشد. فکر میکردم حتی میآیند از من تقدیر هم میکنند که این کارآفرینی را انجام دادم و چنین سودی را به سیستم بانکی کشور رساندم.

- چرا مبلغ ۲۵۰ میلیارد تومان پول، مانند دیگر پروژههای مشارکتی به صورت مرحله به مرحله و در طول اجرای پروژه به شما پرداخت نشد و یکباره به حساب شما آمد؟

من با بخش خصوصی قرارداد بستهام و قرارمان این بوده که این مبلغ به این صورت پرداخت شود.

- میدانستید که شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم این پول کلان را از کجا قرار است به شما پرداخت کند؟

در حال حاضر میدانم که شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم مبلغ ۲۵۰ میلیارد تومان را از بانک سرمایه گرفته است، اما در آن زمانی که قرارداد را میبستیم از این مساله آگاهی نداشتیم. البته این شرکت را بانک سرمایه به ما معرفی کرد. آنها گفتند چنین وامی با سود ۱۸ درصد برای ما مقرون به صرفه نیست و بروید با این شرکت (توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم) صحبت کنید.

- این ۲۵۰ میلیارد تومان الان کجاست؟

در حال حاضر کل ۲۵۰ میلیارد تومان به علاوه ۲۷ میلیارد تومان دیگر که ما اضافه کردیم در اختیار پیمانکاران است که آنها هم در زندان هستند.

- این پول را چگونه قرار است به شما برگردانند؟

من کاری به اینکه پیمانکاران از کجا میخواهد پول بیاورد کاری ندارم. این مسأله‌ای است بین من و پیمانکارم. نمیگویم که پول در اختیار پیمانکار است، بروید از او بگیرید. من حتی هنوز هم از پیمانکارم شکایت رسمی نکرده‌ام که این شائبه به وجود نیاید که نمیخواهم پول را پرداخت کنم.

- پس چگونه قرار است بدهی خود را پرداخت کنید؟

من میخواهم این مبلغ را پرداخت کنم و خودم میدانم که چگونه پوست پیمانکارم را بکنم و پولم را از او پس بگیرم! الان نمیخواهم از او شکایت کنم، بلکه منتظرم او از زندان بیرون بیاید و ببینم که چگونه میتواند پول مرا پس بدهد. من حتی در اوایل سال ۱۳۹۶ به شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم نامه نوشتم که نمیخواهم این قرارداد را ادامه دهم. بعد از اینکه این اتفاقات افتاد و پرونده قضائی تشکیل شد، تصمیم گرفتم که دیگر ادامه ندهم. آن موقع دو سند ملک در تهران به آنها نشان دادم تا این املاک را به جای بدهی قبول کنند. مثلاً ۱۴ هزار متر ملک را در ایرانزمین به آنها نشان دادم که ارزش آن خیلی بیش از مبلغ بدهی بود.

- این زمین به نام خودتان بود؟

خیر؛ متعلق به یک سرمایه‌گذار بخش خصوصی بود که به من گفت این ملک را به جای بدهی خودت پرداخت کن تا در عوض من شریک شما شوم.

- از شیوه‌های دیگری هم برای پرداخت بدهی خود استفاده کرده‌اید؟

متأسفانه هر بار که ما خواستیم با یک سرمایه‌دار برای پرداخت این بدهی به تفاهم برسیم، مسئولان شرکت توسعه سرمایه پایدار قشم با انجام مصاحبه‌های باعث شدند که سرمایه‌دار ما بترسد و عقب نشینی کند. از طرفی مسئولان بانک سرمایه حتی اجازه نمیدهند که من به ساختمان این بانک بروم و درباره پرداخت بدهی صحبت کنم.

انتهای پیام